



غدیر خم عید امامت و ولایت

خلافت از نظر دانشمندان شیعه، يك منصب الهی است که از جانب خداوند به بافضیلت ترین و داناترین امت داده می شود. امام، به عنوان برقرار کننده حکومت و زمامداری، مبین و بازگو کننده آئین اسلام است که پیامبر خدا، بر اثر نبودن فرصت و یا نامساعد بودن شرایط، موفق به بیان آنها نشده و بیان آن را به عهده اوصیای خود نهاده است، اما خلافت از نظر دانشمندان اهل تسنن، يك منصب عرفی و عادی است و هدف از این مقام، جز حفظ کیان و شئون مادی مسلمانان چیزی نیست و خلیفه وقت برای اداره امور اقتصادی، سیاسی و قضایی از طریق مراجعه به افکار عمومی انتخاب می شود.

در دیدگاه شیعه امام شرایطی دارد؛ 1- باید معصوم باشد. 2- داناترین فرد نسبت به شریعت باشد. 3- امامت، يك مقام انتصابی است نه انتخابی.

شیعه دوازده امامی، بر آن است که پس از رسول خدا (ص) رهبری جهان اسلام، با امیرمؤمنان علی (ع) و آنگاه با یازده فرزند پاکش است.

پیامبر (ص) رهبر جامعه جهانی اسلام

پیامبر گرامی که رهبر جامعه جهانی اسلام بود، بر همین روال عمل می فرمود: هر جا که برای نخستین بار، فروغ اسلام می تابید، هر چند هم کوچک، آن گرامی، حاکمی شایسته بر آن می گماشت تا زمام امور را به دست گیرد.

برای لشکریایی که به جهاد اعزام می کرد، فرمانده سپاه معین می فرمود و گاه چند نفر را به ترتیب معاون آن فرمانده قرار می داد تا اگر یکی کشته شود، سپاه بی سرپرست نماند. همچنین کسانی را می شناسیم که آن گرامی به هنگام مسافرت از مدینه آنان را به عنوان جانشین و نماینده خویش می گمارد تا مدینه در غیبت آن بزرگ، بی زمامدار نماند.

کدامین سوی از این احتمال ها که می شماریم با خرد راست می آید؟ آیا پیامبر (ص) برای جامعه مسلمین، پس از خویش، اهمیتی قائل نبود؟ و یا لایق ترین جانشین را نمی شناخت؟ شیعه امامیه با توجه به این حقایق، به پی جویی در متون و مدرک های نخستین و اصلی اسلام می پردازد و در این پی جویی، به منابع سرشار بر می خورد و سرانجام به این نتیجه می رسد که از پیامبر (ص)، فرمان های روشن در زمینه تعیین جانشین رسیده و به جای مانده است. چنان که آیه ولایت، حدیث، غدیر، حدیث سفینه، حدیث ثقلین، حدیث منزلت، حدیث دعوت عشیره و دیگر چیزهایی که در کتاب بزرگ به گستردگی به محک و بحث و تحقیق گذاشته شده است.

سرگذشت غدیر

پیامبر (ص)، در سال دهم هجرت، مدینه را به قصد مکه برای انجام مراسم حج ترك کرد. این حج، در آخرین سال عمر پیامبر (ص) انجام شد و به همین جهت در تاریخ، آن را حجة الوداع می گویند. همراهان پیامبر را که به شوق همسفری با آن حضرت و دیدن و فراگرفتن حجة درست، به رکابش شتافته بودند تا 120 هزار نفر نوشته اند. در این سفر پیامبر (ص) سخنان مهمی ایراد کردند و در آن مردم را به تقوا و رعایت حقوق یکدیگر سفارش دادند. در بازگشت به مدینه فرشته وحی نازل شد و مأموریتی خطیر به دوش پیامبر (ص) گذاشت، آیه ای چنین نازل شد:

«يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك و ان لم تفعل فما بلغت رسالته واللّٰه يعصمك من الناس ان الله لايهدي القوم الكافرين (1)»

«ای رسول، آنچه که از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده، به مردم برسان و اگر نرسانی رسالت خود را انجام نداده ای و خداوند تو را از گزند مردم حفظ می کند.» پیامبر دستور داد کاروان توقف کند. کاروان در نقطه ای به نام «غدیر خم» توقف کرد. حضرت دستور داد آنها که جلوتر رفته اند، برگردند و آنها که پشت سر هستند، خود را بر سرانند. فرمان توقف هنگامی صادر شد که هوا به شدت گرم بود، به طوری که مردم قسمتی از ردای خود را بر سر و قسمتی را زیر پا افکنده بودند و بدین طریق خود را از اشعه سوزان خورشید در امان نگه می داشتند. جایگاه بلندی از جهاز شتران ترتیب دادند و پیامبر (ص) بر بالای آن رفت و با صدای رسا خطبه ای به شرح زیر ایراد کردند؛ «حمد و سپاس از آن خداست. از او کمک می جوییم و به او ایمان داریم و بر او توکل می کنیم. از بدی های خود و اعمال ناشایست خویش به او پناه می بریم. خدایی که جز او هادی و راهنمایی نیست، هر کس را که هدایت کرد، گمراه کننده ای برای او نیست. گواهی می دهیم که جز او خدایی نیست و محمد بنده خدا و فرستاده اوست و پس از ستایش خداوند، چنین ادامه می دهد: - من و شما، هر دو، مسئولیم، چه می گویید؟- در این موقع صدای جمعیت به تصدیق بلند شد و گفتند ما گواهی می دهیم که تو رسالت خود را انجام دادی، و کوشش کردی خدا تو را پاداش نیک دهد.»

پیامبر فرمود: «آیا گواهی نمی دهید که معبودی جز خدا نیست و محمدبنده خدا و پیامبر اوست. بهشت و دوزخ و مرگ حق است و روز رستاخیز فرا خواهد رسید و خداوند افرادی را که در دل خاک مدفون شده اند، زنده خواهد کرد؟»

پیامبر(ص) فرمودند: من در میان شما دوچیز گرانبها و سنگین به یادگار می گذارم، چگونه با آنها معامله خواهید کرد؟ يك نفر از بین جمعیت پرسید: «مقصودت از این دو چیز گرانبها چیست؟»

پیامبر (ص) فرمود: یکی کتاب خدا که يك طرف آن در دست خدا، و طرف دیگر آن در دست شماست، و دیگری عترت و اهل بیت من. خداوند به من خبر داده که این دو یادگار، هرگز از هم جدا نخواهند شد. هان ای مردم! بر قرآن و عترت من پیشی نگیرید، و در عمل به هر دو، کوتاهی نورزید که هلاک می شوید. در این لحظه دست علی(ع) را گرفت و آنقدر بلند کرد که سفیدی زیر بازوی هر دو برای مردم نمایان گشت. او را به همه مردم معرفی کرد.

سپس چنین فرمود: «ای مردم! سزاوارترین فرد بر مؤمنان از خود آنها کیست؟» یاران پیامبر(ص) پاسخ دادند: خداوند و پیامبر از او بهتر می دانند. پیامبر(ص) فرمود: خدا مولای من و من مولای مؤمنان هستم و بر خود آنها سزاوارتر می باشم.

سپس با صدای رسا فرمودند: «**من كنت مولاه فهذا علي مولاه**» «هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست» این جمله را سه بار (2) و به قول احمد حنبل (یکی از ائمه اربعه اهل سنت) چهار بار تکرار کرد و سپس فرمود: خدایا، هر کس علی را دوست بدارد، دوست بدار و هرکس علی را دشمن بدارد، دشمن بدار، خدایا یاران علی را یاری کن و دشمنان او را خوار و ذلیل نما. پروردگارا علی را محور حق قرار بده. (3)

بررسی و تحلیل تازه ای در آیه تبلیغ

ما اگر از تمامی روایاتی که درباره شأن نزول آیه فوق، و همچنین روایاتی که درباره داستان غدیر آمده است، صرف نظر کنیم و تنها به محتوای خود آیه و آیات بعد از آن نظر دقیق کنیم، می توانیم از عمق این آیات وظیفه خود را در برابر مسأله خلافت و جانشینی پیامبر اسلام(ص) روشن سازیم. آیه فوق 3 ویژگی مهم دارد:

1- مسأله ای که از نظر اسلام فوق العاده اهمیت داشته است تا آنجا که به پیامبر دستور داده می شود آن را ابلاغ کند، و اگر ابلاغ نکند رسالت پروردگار را ابلاغ نکرده است، و به تعبیر دیگر چیزی بوده است همسنگ مسأله نبوت که اگر انجام نشود، رسالت پیامبر ناتمام می ماند! (و ان لم تفعل فما بلغت رسالته.)

2- تعبیرات آیه نشان می دهد که مسأله مورد نظر آیه، مسأله ای بوده است که بعضی در برابر آن موضعگیری سختی داشته اند تا آنجا که ممکن بوده است، جان پیامبر(ص) به خاطر آن به خطر بیفتد و لذا خداوند حمایت خاص خود را از پیامبرش در این باره بخصوص اعلام می دارد و به او می فرماید: «خداوند تو را از مردم و خطرات احتمالی آنها محفوظ می دارد.»

3- این مسأله حتماً مربوط به نماز و روزه و حج و جهاد و زکات و امثال آن از ارکان تعلیمات اسلام نبوده است، چرا که آیه در سوره مائده است و می دانیم سوره مائده آخرین سوره ای است که بر پیامبر اسلام(ص) نازل شد.

یعنی در اواخر عمر پربار پیامبر بود که تمام ارکان مهم اسلام تبیین شده است. مجموع این آیات 3 گانه نشان می دهد که منظور از آن چیزی جز ابلاغ خلافت و جانشینی پیامبر(ص) نبوده است.

ولایت، اکمال دین

در همان روز که پیامبر(ص) این خطبه را ایراد فرمود، جبرئیل فرود آمد و به پیامبر چنین بشارت داد: «**الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی**» خداوند امروز آئین خود را تکمیل کرد و نعمت خویش را بر جامعه با ایمان به تمامی ارزانی داشت. در این هنگام صدای تکبیر پیامبر بلند شد و گفت: خدا را سپاسگزارم که آئین خود را تکمیل گردانید و نعمت خود را به پایان رسانید و از رسالت من و ولایت علی خشنود گشت. یاران پیامبر(ص) گروه گروه به علی(ع) تبریک گفتند و او را مولای هر مرد و زن باایمان می خواندند.

تفسیر «ولایت و مولی»

در حدیث غدیر حدیث متواتر غدیر را اجمالاً دانستیم و جمله معروف پیامبر که در همه کتاب ها آمده است: (من **کنت مولاه فعلی مولاه**) حقایق بسیاری را روشن می سازد. گرچه بسیاری از نویسندگان اهل سنت اصرار دارند که «مولی» را در اینجا به معنی «دوست و یار و یاور» تفسیر کنند، زیرا یکی از معانی معروف «مولی» همین است. ما هم قبول داریم که یکی از معانی «مولی»، دوست و یار و یاور است، ولی قرائن متعددی در کار است که نشان می دهد «مولی» در حدیث بالا به معنی «مولی» و سرپرست و رهبر است، این قرائن به طور فشرده چنین است: 1- مسأله دوستی علی(ع) با همه مؤمنان، مطالب مخفی و پنهان و پیچیده ای نبود که به این همه تأکید و بیان نیاز داشته باشد و احتیاج به متوقف ساختن آن قافله عظیم در وسط بیابان خشک و سوزان و خطبه خواندن و گرفتن اعتراف های پی در پی از جمعیت داشته باشد.

2- جمله (الست اولی بکم من انفسکم) «آیا من نسبت به شما از خود شما سزاوارتر و اولی نیستم» که در بسیاری از متون این روایات آمده است، هیچ تناسبی با یک دوستی ساده ندارد، بلکه می خواهد بگوید، همان اولویت و اختیاری که من نسبت به شما دارم و پیشوا و سرپرست شما هستم، برای علی(ع) ثابت است، هر گونه تفسیری برای این جمله غیر از آنچه گفته شده دور از واقع بینی است.

3- تبریک هایی که از سوی این واقعه تاریخی به علی(ع) گفتند، مخصوصاً تبریکی که عمر و ابوبکر به او گفتند، نشان می دهد مسأله چیزی جز نصب خلافت نبوده است که در خور تبریک و تهنیت باشد، زیرا اعلام دوستی که برای همه مسلمانان به طور عموم ثابت است، تبریک ندارد.

در مسند امام (احمد بن حنبل) آمده است که عمر بعد از آن بیانات پیامبر(ص) به علی (ع) گفت: «گوارا باد بر تو ای فرزند ابی طالب» صبح کردی و شام کردی در حالی که مولای هر مرد و زن با ایمان هستی!

- 4- اشعار حسان بن ثابت گواه دیگری بر این مسأله است.
- 5- مصادری که این کلام را نقل کرده اند، بسیار متعدد و متنوعند. مهمترین آنها به این قرار است: ترمذی، السنن، ج 5، ص 633 ابن ماجه السنن ج 1، ص 45، ابن حنبل، المسند، ج 9، ص 43، طبرانی، المعجم الصغیر، ج 1، ص 71، ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج 42، ص 188، ذهبی، تاریخ الاسلام، ج 3، ص 629، ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج 7، ص 341، خوارزمی، المناقب، ص 157، کلینی، الکافی، ج 1، ص 287، شیخ طوسی، تهذیب الحکام، ج 3، ص 144.
- 6- جمع کردن نزدیک به 120 هزار نفر در هوای گرم و در بیابانی بی آب و علف جز امامت و رهبری مسأله دیگری نیست.
- 7- عمامه گذاردن بر سر امام علی(ع) بعد از خطبه العمائم تیجان العرب و با توجه به این که در فرهنگ عرب، عمامه تاج شمرده می شد و نشان دهنده سیادت و سروری بوده است، تنها به معنای تثبیت ولایت و امامت علی(ع) می تواند باشد.
- پس از این واقعه، مسلمانان روز هجدهم ذی الحجه را روزی که پیامبر(ص) این خطبه را ایراد فرمود و علی(ع) را جانشین خود معرفی کرد، عید می گرفتند و هنوز نیز تشیع این روز را جشن می گیرد. (عید غدیر)
- حادثه غدیر و سخنان آن روز از جمله فرازهایی از تاریخ اسلام است که تقریباً تمام سیره نویسان و مورخان در آن اتفاق نظر دارند.
- در پایان فرارسیدن این عید سعید و بزرگ غدیرخم، عید امامت و ولایت را به امام زمان(عج)، مسلمانان جهان و بالاخص شیعیان ایران تبریک عرض می کنیم.

پینوشت ها:

1- مائده 67.

2- فراز هایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص 512، سبحانی.

3- ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج 5، ص 214.

منابع:

فروغ ابدیت، استاد جعفر سبحانی.

5- منتخب الاثر، آیت الله صافی.

6- سوره مائده.

7- فرازهایی از تاریخ اسلامی، جعفر سبحانی.

8- البدایه و النهایه، ابن کثیر.

9- سوره مائده.

10- مسند، احمد بن حنبل.

علی اصغر - صرفه جو